

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تغییرات ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی و منافع اقتصادی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران

علی اکبر جوکار<sup>۱</sup>

اکبر ولی زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

توافق آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۰ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در خصوص منطقه قره‌باغ، شروعی برای تحولات جدید ژئوپلیتیک منطقه قفقاز جنوبی محسوب می‌شود. این توافق چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای کشورهای هم‌جوار، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، ایجاد نموده است. به جهت راهبردی پیامدهای این تحولات دوگانه است: صلح و همگرایی منطقه‌ای و ایجاد فرصت‌های همکاری در بخش‌های مختلف به‌ویژه حمل‌ونقل و ترانزیت و در نتیجه تقویت نقش ایران؛ تغییر موازنه‌های امنیتی و افزایش حضور نظامی و سیاسی بازیگران فرامنطقه‌ای و ایجاد تهدیدات بالقوه برای امنیت ملی ایران. یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از روش تحلیل کیفی صورت گرفته است، اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه، متوازن و چندجانبه در تعامل با بازیگران منطقه‌ای را برای حفظ و ارتقای منافع ملی ایران حیاتی دانسته است.

### واژگان کلیدی:

امنیت ملی، ایران، توافق ۲۰۲۰، ژئوپلیتیک، قفقاز جنوبی، منافع اقتصادی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران [a.a.jowkar98@ut.ac.ir](mailto:a.a.jowkar98@ut.ac.ir)

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول و استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران [akbarvalizadeh@ut.ac.ir](mailto:akbarvalizadeh@ut.ac.ir)

## مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی، با موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد خود، همواره به عنوان یکی از کانون‌های رقابت و تأثیرگذاری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مطرح و به دلیل برخورداری از منابع غنی انرژی و اهمیت راهبردی مسیرهای انتقال نفت و گاز، اهمیت استراتژیک ویژه‌ای یافته است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، آغازگر مرحله‌ای نوین و پرچالش در تحولات این منطقه بود که با شکل‌گیری بحران‌های نظامی و امنیتی متعدد، از جمله مناقشات قره‌باغ، اوستیای جنوبی و آبخازیا، وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه را به شدت متحول ساخت (Shoaiib Khan, 2022). در این میان، رقابت قدرت‌های بزرگ همچون روسیه، ترکیه و ایران به همراه حضور روبه‌رشد بازیگران فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو، شرایط پیچیده‌ای را در قفقاز جنوبی رقم زده است که تبعات گسترده‌ای بر ثبات و امنیت منطقه دارد.

علاوه بر بعد نظامی و امنیتی، قفقاز جنوبی به دلیل منابع انرژی فراوان، به ویژه نفت و گاز طبیعی، و وجود مسیرهای ترانزیتی حیاتی مانند خطوط لوله باکو - تفلیس - جیحان و باکو - تفلیس - ارزروم، به عنوان یک محور کلیدی در سیاست‌های انرژی اروپا و آسیا تلقی می‌شود (Kazemzadeh, 2023)؛ بنابراین، هرگونه تغییر ژئوپلیتیکی در این منطقه می‌تواند تأثیرات عمیقی بر بازارهای انرژی، تأمین امنیت و تعادل سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داشته باشد. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با مرزهای طولانی در شمال غرب که از ابتدای استقلال کشورهای قفقاز جنوبی روابط متوازنی با آنها حفظ کرده است، در موقعیتی حساس قرار دارد. با این حال، تحریم‌های بین‌المللی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی، فرصت‌های بهره‌برداری تهران از این موقعیت استراتژیک را محدود ساخته است. جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ که پس از سال‌ها تنش‌های متناوب به وقوع پیوست، و توافق آتش‌بس نوامبر همان سال میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، نقطه عطفی در روند تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی محسوب می‌شود. در این مرحله، روسیه به عنوان میانجیگر اصلی با استقرار نیروهای نظامی در منطقه، نقش محوری در حفظ ثبات شکننده آن ایفا کرد که در نهایت تحولات بعدی قره‌باغ و تشبیت پیروزی‌های جمهوری آذربایجان و همچنین جنگ با اوکراین منجر به خروج نیروهای این کشور گردید.

درعین حال، ترکیه به واسطه حمایت نظامی و سیاسی از جمهوری آذربایجان و توسعه طرح اتصال زمینی نخجوان به جمهوری آذربایجان، حضور خود را به عنوان بازیگری کلیدی تثبیت کرده است. افزون بر این، افزایش نفوذ رژیم صهیونیستی از طریق فروش تسلیحات پیشرفته و ارائه خدمات اطلاعاتی به باکو، بعد جدیدی از رقابت‌های منطقه‌ای را به قفقاز جنوبی آورده است (Yavuz, 2022). این تحولات به شکل مستقیم بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده و هم فرصت‌ها و هم تهدیدات متعددی را برای تهران ایجاد کرده است. از سوی دیگر، ادامه بازیگری قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا و اظهارات مقامات باکو در خصوص تلاش برای اتصال مستقیم منطقه خودمختار نخجوان به جمهوری آذربایجان با حاکمیت راهگذر زنگه‌زور، موجب نگرانی‌های جدی در تهران شده است. تغییرات احتمالی مرزها و تحولات ژئوپلیتیکی منطقه، مستقیماً با امنیت مرزهای ایران و ثبات منطقه‌ای مرتبط است. واکنش‌های سیاسی و نظامی تهران، از جمله هشدارهای مقام معظم رهبری و اظهارات مقامات عالی‌رتبه دولت ایران، گویای اهمیت این موضوع برای جمهوری اسلامی است. مقامات ایرانی بارها تأکید کرده‌اند که حفظ امنیت و ثبات در قفقاز جنوبی و احترام به مرزهای تاریخی ایران با ارمنستان برای تهران یک اولویت راهبردی است. هم‌زمان با این تحولات، تهاجم نظامی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، توجه و ظرفیت نظامی روسیه در قفقاز جنوبی را به شدت کاهش داده و زمینه را برای افزایش نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دیگر، به‌ویژه ترکیه و کشورهای غربی، فراهم کرده است. در نتیجه، قفقاز جنوبی در آستانه مرحله‌ای نوین از رقابت و بازتعریف توازن قوا قرار گرفته است که پیامدهای آن مستقیماً بر امنیت، اقتصاد و سیاست خارجی ایران اثرگذار خواهد بود.

باتوجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف بررسی تغییرات ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی پس از توافق نوامبر ۲۰۲۰ و تحلیل تأثیرات آن بر منافع اقتصادی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که تغییرات ژئوپلیتیک اخیر در قفقاز جنوبی چگونه بر منافع راهبردی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته و تهران چه چالش‌ها و فرصت‌هایی در این چارچوب پیش رو دارد. فرضیه این مطالعه بر این است که تغییرات ایجاد شده، ضمن ایجاد فشارهای امنیتی و اقتصادی مضاعف، نیازمند بازنگری اساسی در سیاست‌های منطقه‌ای و راهبردی ایران است. روش‌شناسی این تحقیق بر پایه تحلیل کیفی اسنادی و مطالعه منابع ثانویه استوار است و داده‌ها از طریق بررسی گزارش‌های رسمی، تحلیل‌های ژئوپلیتیکی، و مطالعات علمی مرتبط از بازه زمانی ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵ گردآوری شده

است. این رویکرد امکان ارائه تصویری جامع و دقیق از روندهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی در قفقاز جنوبی و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌کند.

**پیشینه پژوهش.** در خصوص مسائل قفقاز جنوبی و ارتباط آن با منافع قدرت‌های ذی‌نفع منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران کتب و مقالات متعددی به زبان فارسی، انگلیسی، روسی و دیگر زبان‌ها نگاشته شده است. اما با توجه به اینکه تمرکز این پژوهش به تحولات قفقاز جنوبی بعد از جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال ۲۰۲۰ می‌باشد در نوع خود جدید است. برخی آثار منتشر شده در سالهای اخیر در این زمینه به قرار زیر است:

مصطفی هاشمی، ریباز قربانی نژاد و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان راهبردهای منطقه‌گرایی ایران در قفقاز در برابر روسیه بر اساس تئوری بازی‌ها، به بررسی تغییرات ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی و تأثیری که بر روابط ایران و سه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است، پرداخته است. نویسندگان تلاش داشته‌اند با توجه به نقش حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به توصیف این منطقه بپردازد. در این پژوهش نگارندگان به دنبال راهبرد مؤثر نیل به منطقه‌گرایی در قفقاز در برابر روسیه و طرح راهبردهای عملیاتی به روش تئوری بازی‌ها است.

هادی ابراهیمی کیا و کمال زارعی (۱۳۹۹) در مقاله «تقابل راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه راهبردی قفقاز» به بررسی حضور گسترده رژیم صهیونیستی در قفقاز جنوبی و همکاری‌های راهبردی آن با کشورهای منطقه، به‌ویژه جمهوری آذربایجان، پرداخته‌اند. این همکاری‌ها شامل تقویت مناسبات نظامی، حضور نیروهای اطلاعاتی و تأسیس پایگاه‌های نظامی است که تهدیدی جدی برای منافع حیاتی ایران به شمار می‌رود.

سبحان محمدی، ابومحمد عسگرخانی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل اقدام نظامی جمهوری آذربایجان در قبال مسئله ناگورنو قره‌باغ و جمهوری آرتساخ و بررسی مواضع جمهوری اسلامی ایران» به تحلیل جنگ سپتامبر ۲۰۲۰ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان درباره منطقه قره‌باغ و بررسی مواضع جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. آنها با تکیه بر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، وضعیت «نه جنگ و نه صلح» بین دو کشور را عامل اصلی بروز چندین جنگ در قره‌باغ و به‌خصوص درگیری اخیر دانسته‌اند و تلاش کرده‌اند علل این جنگ را از این منظر بررسی کنند.

اکبر ولی‌زاده و مهدی صادقی (۱۴۰۰) در مقاله «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر و جایگاه ایران در ژئوپلیتیک انرژی در قفقاز جنوبی» به اهمیت کنوانسیون رژیم حقوقی

دریای خزر (۲۰۱۸) پرداخته‌اند و معتقدند این قرارداد فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده تا جایگاه خود را در ژئوپلیتیک انرژی قفقاز جنوبی ارتقا دهد. آن‌ها تأکید می‌کنند ایران نباید به‌عنوان یک بازیگر برهم‌زننده ظاهر شود؛ بلکه باید تلاش کند با رویکردی تعاملی جایگاه خود را بهبود بخشد.

حمید حکیم، مرضیه اصفهانی و مریم فلاح (۱۴۰۰) در کتاب «قفقاز جنوبی، بازیگران، مسائل و سیاست‌ها» با تحلیل جامع شرایط و تحولات منطقه قفقاز جنوبی، رویکردهای سیاست خارجی سه کشور منطقه و تأثیر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را بررسی کرده‌اند. نویسندگان با نگاهی همه‌جانبه، تأثیر این عوامل بر همگرایی و واگرایی منطقه‌ای را بررسی کرده و سعی دارند چشم‌اندازی دقیق از آینده قفقاز ارائه دهند.

گورکان (۲۰۲۰) در مقاله «اقتصاد ژئوپلیتیکی در حال تغییر ماورای قفقاز تحت شرایط چند قطبی» به بررسی تأثیر چندقطبی شدن جهان بر مناقشات منطقه‌ای و توازن نیروها در قفقاز می‌پردازد. وی نقش جمهوری آذربایجان و ایران به‌عنوان دو رقیب و ارمستان به‌عنوان متحد سنتی روسیه را تحلیل کرده و همچنین تحولات اخیر مانند ظهور صلح‌آمیز چین در منطقه، گرایش‌های ژئوراهبردی اوراسیایی و تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۱۶ به بعد را بررسی می‌کند.

خیال اسکندروف و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله «قفقاز جنوبی: صحنه‌ای برای بازی بزرگ جدید بین ناتو و روسیه» منطقه قفقاز جنوبی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوراهبردی بین اروپا و آسیا معرفی می‌کنند که عرصه‌ای برای رقابت بازیگران منطقه‌ای و جهانی با منافع متضاد است. آن‌ها تحلیل می‌کنند که هر بازیگر از قرن‌ها پیش تلاش کرده قوانین خود را بر این منطقه تحمیل کند و در شرایط فعلی، منافع امنیتی روسیه با منافع ناتو در تقابل قرار دارد. حضور ناتو در منطقه به‌منظور مقابله با نفوذ نظامی روسیه است و مقاله، ترکیب رقابت و رویارویی را به‌عنوان «بازی بزرگ جدید» در این منطقه تشریح می‌کند.

اسمیت و پتروسیان (۲۰۲۳) در مقاله «تغییرات ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی پس از توافق نوامبر ۲۰۲۰: پیامدهایی برای امنیت و اقتصاد ایران» به بررسی تغییرات ژئوپلیتیکی پس از توافق نوامبر ۲۰۲۰ می‌پردازد و تأثیرات آن بر امنیت مرزی و مسیرهای ترانزیتی انرژی در منطقه را تحلیل می‌کند. نویسندگان بر ضرورت بازنگری سیاست‌های ایران در زمینه امنیت و اقتصاد تأکید دارند تا منافع ملی حفظ شود.

ولیف و ولیف (۲۰۲۳) در مقاله «فرایندهای سیاسی در قفقاز جنوبی: جمهوری آذربایجان-ایران» به تحولات قفقاز جنوبی پس از جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰) را بررسی کرده و نشان می‌دهد که ترکیه از برندگان اصلی و ایران و ارمنستان از بازندگان این تغییرات بوده‌اند. ایران با از دست دادن مسیرهای لجستیکی به ارمنستان و کنار گذاشته شدن از روند مذاکرات، جایگاه ژئوپلیتیکی‌اش تضعیف شد. تقویت اتحاد جمهوری آذربایجان و ترکیه با «اعلامیه شوشا» و شکل‌گیری ائتلاف ضدایرانی شامل جمهوری آذربایجان، ترکیه، رژیم صهیونیستی و بریتانیا نیز از محورهای اصلی تحلیل است. مقاله همچنین بحران داخلی ایران و نقش روسیه در معادلات جدید منطقه را بررسی می‌کند.

بنابراین این مقاله نوآوری خود را در بررسی همزمان و تلفیقی تأثیر تغییرات ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی پس از توافق نوامبر ۲۰۲۰ بر منافع اقتصادی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد. برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به جنبه‌های جداگانه اقتصادی یا امنیتی پرداخته‌اند، این مطالعه با رویکرد میان‌رشته‌ای، موازنه جدید قوا و ائتلاف‌های منطقه‌ای را به صورت یکپارچه تحلیل می‌کند. همچنین، تمرکز بر تحولات پس از ۲۰۲۰ و استفاده از داده‌های به‌روز، وجه تمایز مهم این تحقیق است. این رویکرد جامع، چشم‌اندازی کامل‌تر از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی ایران ارائه می‌دهد.

**چارچوب نظری.** واقع‌گرایی به عنوان یکی از کهن‌ترین و بنیادی‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل، ریشه در اندیشه‌های سیاسی متفکرانی چون نیکولو ماکیاولی و توماس هابز دارد. این نظریه بر این فرض استوار است که طبیعت انسان ذاتاً قدرت‌طلب و خودخواه است و در نتیجه، نظام بین‌الملل صحنه‌ای آنارشیک و رقابتی میان دولت‌ها برای بقا و حفظ منافع محسوب می‌شود. ماکیاولی در آثار خود بر تمایل ذاتی انسان به شرارت تأکید کرده و بر این باور است که دولت‌ها برای حفظ بقا و ثبات سیاسی باید از قدرت نظامی برخوردار باشند و در صورت لزوم از سیاست‌های فریبکارانه بهره‌گیرند (ماکیاولی، ۱۳۷۷: ۴۶؛ ۱۳۷۵: ۹۲؛ ۱۳۷۷: ۵۶). هابز نیز با معرفی وضعیت طبیعی به عنوان «جنگ همه علیه همه»، بر این نکته تأکید دارد که در غیاب قدرت مرکزی، انسان‌ها و دولت‌ها برای امنیت و اعتبار در رقابت دائمی به سر می‌برند (هابز، ۱۳۸۰: ۱۵۸-۱۵۹).

واقع‌گرایی کلاسیک در قرن بیستم به واسطه نظریات هانس مورگنتا به صورت منسجم‌تری شکل گرفت. مورگنتا سیاست بین‌الملل را عرصه‌ای برای کسب، حفظ و نمایش قدرت می‌دانست و معتقد بود رفتار دولت‌ها باید بر اساس واقعیت‌های عینی و سرشت انسان

تحلیل شود (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۵-۲۶؛ ۸۰). در این رویکرد، دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل، هدف اصلی خود را بقا در محیطی آنارشیک و پررقابت می‌دانند (مشیرزاده، ۱۳۸۶؛ دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۱۴۲). در دهه ۱۹۷۰، با ظهور اندیشه‌های کنت والتز، واقع‌گرایی وارد مرحله جدیدی شد که از آن با عنوان نواقح‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری یاد می‌شود. والتز استدلال کرد که رفتار دولت‌ها بیش از آنکه ناشی از سرشت انسانی باشد، از ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل تأثیر می‌پذیرد (Waltz, 1979: 24-27). نبود اقتدار مرکزی، کشورها را به خودیاری و افزایش قدرت برای تأمین امنیت سوق می‌دهد. نواقح‌گرایی بر سه مؤلفه اساسی تکیه دارد: آنارشیک بودن ساختار نظام بین‌الملل، اهمیت توزیع قدرت (قطبیت) در تعیین رفتار کشورها، و تمرکز بر امنیت به‌عنوان هدف اصلی بازیگران (Ben Itzhak, 2011: 316; Mearsheimer, 2001: 13; Waltz, 1979: 56). بر اساس این دیدگاه، کشورها در فضای بی‌اعتمادی متقابل، برای جلوگیری از برتری رقبا به ایجاد موازنه قوا می‌پردازند (میرشایمر، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۲؛ Booth, 2005: 16).

در فاصله دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰، واقع‌گرایی نظریه‌ای غالب در روابط بین‌الملل بود، اما به سبب انتقادات رفتارگرایان و فراملی‌گرایان مانند ضعف روش‌شناسی علمی و ناتوانی در توضیح نقش بازیگران غیردولتی به چالش کشیده شد (Rosenberg, 1990: 65; Bowker and Brown, 2003: 2-3). در پاسخ، والتز در اثر مهم خود «نظریه سیاست بین‌الملل» (۱۹۷۹) نواقح‌گرایی را بنیان نهاد و با تمرکز بر ساختار نظام، الگوهای تکرارشونده رفتار دولت‌ها را توضیح داد و عوامل داخلی را در سطح تحلیل خود نادیده گرفت (Buzan and Waever, 2003: 126; Waltz, 1979: 65-73). در این چارچوب، دولت‌ها برای حفظ امنیت خویش در شرایط فقدان اقتدار مرکزی، به اصل خودیاری پایبندند و با افزایش قدرت نظامی، رقابت برای بقا را تشدید می‌کنند (Wight, 2011: 17). نواقح‌گرایان بر این باورند که ساختار آنارشیک، منشأ اصلی رقابت قدرت‌هاست و اختلاف نظر میان دیدگاه‌های تدافعی و تهاجمی درباره میزان مطلوب قدرت وجود دارد. از نگاه آنان، بقا هدف نهایی دولت‌هاست و هرگونه نابرابری در توزیع قدرت، آسیب‌پذیری آنها را افزایش می‌دهد (لطفیان، ۱۳۹۰: ۱۷۹؛ Waltz, 1979).

براین‌اساس، نواقح‌گرایان معتقدند رقابت تسلیحاتی و حتی جنگ، در نظام آنارشیک اجتناب‌ناپذیر است، زیرا ترس از تهدیدات امنیتی دولت‌ها را به افزایش قدرت و واکنش‌های تلافی‌جویانه وامی‌دارد که این خود به «معضل امنیتی» می‌انجامد (Mitzen, 2006a: 342). تمنا، ۱۳۸۹: ۱۴۵). راهکار اصلی برای مهار این وضعیت، موازنه قواست و دولت‌ها ناچارند

بین ایجاد توازن یا پیروی از قدرت برتر یکی را انتخاب کنند (Hansen, Toft and Wivel, 2009: 30). در نهایت، والتز نواقح گرایبی را بازسازی واقع‌گرایی کلاسیک در چارچوب علوم اجتماعی مدرن می‌داند؛ نظریه‌ای که بر ساختار نظام و توزیع قدرت تمرکز دارد و نظم دوقطبی را پایدارترین شکل نظم بین‌المللی معرفی می‌کند (Waltz, 1979).

جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و توافق آتش‌بس نوامبر همان سال میان جمهوری آذربایجان، ارمنستان و روسیه، نقطه عطفی در ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی بود. در پی این جنگ، موازنه قدرت در منطقه به شدت دگرگون شد. جمهوری آذربایجان با حمایت نظامی و اطلاعاتی ترکیه و رژیم صهیونیستی، کنترل بخش قابل توجهی از اراضی تحت منازعه را به دست آورد. ترکیه نیز برای نخستین بار به طور رسمی وارد ساختار امنیتی منطقه شد. این تحولات، منافع امنیتی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار داد. ایران که همواره قفقاز جنوبی را بخشی از عمق راهبردی شمال غرب خود تلقی می‌کرد، اکنون با ساختاری جدید در همسایگی خود روبه‌رو شده است. بر اساس نظریه واقع‌گرایی ساختاری، توافق نوامبر ۲۰۲۰ و بحران قره‌باغ دوم، موجب تغییر ساختاری در نظم منطقه‌ای قفقاز جنوبی شد که به تضعیف جایگاه ایران در ابعاد امنیتی و اقتصادی منجر گردید. افزایش قدرت بازیگران رقیب و کاهش نقش ایران، تهران را وادار به اتخاذ سیاست‌های عقلانی موازنه‌ساز کرده است. رفتار ایران در این چارچوب، پاسخی منطقی به محیط آنارشیک بین‌المللی و تغییر ساختار قدرت منطقه‌ای است؛ رفتاری که با هدف حفظ بقا، تأمین امنیت ملی و بازسازی جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران طراحی شده است.

### ۱. ژئوپلیتیک در حال تغییر قفقاز جنوبی

تاریخچه قفقاز قرن‌ها تحولات مداوم و پیچیده‌ای را پشت سر گذاشته است. این منطقه به دلیل موقعیت ژئو راهبردی خود، پل ارتباطی شمال به جنوب و شرق به غرب محسوب می‌شود. بخش شمالی قفقاز از اوایل قرن نوزدهم با مقاومت در برابر تهاجمات روسیه و تلاش برای تسلیم شدن مواجه بود، در حالی که بخش جنوبی آن تا پایان جنگ جهانی اول عرصه رقابت بین دولت‌های روسیه و عثمانی بود. پس از قرارداد ترکمنچای، ایران دیگر در این منطقه مناقشه‌ای نداشت. در نهایت، اتحاد جماهیر شوروی بر شمال و جنوب کوه‌های قفقاز مسلط شد. با وقوع انقلاب ۱۹۱۷ و خروج نیروهای روسی، قفقاز جنوبی توانست برای مدت کوتاهی به صورت یک واحد سیاسی مستقل به نام جمهوری فدرال دموکراتیک ماوراء

قفقاز متحد شود؛ اما سپس به اتحاد جماهیر شوروی ملحق گردید. در جنگ جهانی دوم، شمال قفقاز صحنه درگیری‌های شدید بین نیروهای آلمان نازی و اتحاد جماهیر شوروی بود که پس از شکست آلمان در استالینگراد، نیروهای نازی از منطقه عقب‌نشینی کردند. همکاری برخی مردم محلی با آلمان‌ها باعث اخراج اقوام مختلف از منطقه توسط رژیم استالینیستی شد. در طول قرن بیستم، شوروی منطقه را به روی نفوذ خارجی بست و قفقاز جنوبی مرز مهمی میان اتحاد جماهیر شوروی و بلوک غرب به شمار می‌رفت. فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ کنترل مستقیم مسکو را پایان داد و کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان استقلال یافتند، درحالی‌که قفقاز شمالی همچنان بخشی از روسیه باقی ماند و این کشور با اختلافات ارضی نفوذ خود را حفظ کرد. این تحولات باعث بروز تنش‌ها و نارضایتی‌های جدیدی در قفقاز جنوبی شد که جنگ سرد آن‌ها را مهار کرده بود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رقابت میان روسیه، ترکیه و ایران برای نفوذ بر منطقه شدت گرفت که منجر به مناقشات قومی، ملی‌گرایانه و مذهبی گوناگون شد. تغییرات ژئوپلیتیکی پس از ۱۹۸۹ جغرافیای سیاسی اوراسیا را به شکل چشمگیری تغییر داد و کشورهای تازه استقلال یافته را وارد محاسبات جهانی کرد (Aydın, 2020: 98). این کشورها به دلیل منابع طبیعی، موقعیت ترانزیتی مهم و درگیری‌های داخلی مورد توجه کشورهای بزرگ از جمله ایالات متحده، ترکیه، ایران، چین و اتحادیه اروپا قرار گرفتند (Aydın, 2000; Aydın, 2003).

با پایان دوره اتحاد جماهیر شوروی، هویت‌های ملی سرکوب‌شده بار دیگر احیا شدند و مردم خواهان حقوق جدید شدند. رهبران سیاسی کشورهای قفقاز با چالش‌های بزرگی در فرآیند ملت‌سازی و دولت‌سازی مواجه شدند. بیشتر زیرساخت‌های اقتصادی و لجستیکی که تحت شوروی شکل گرفته بود، پس از فروپاشی قطع شدند و این موضوع مشکلات فراوانی در توسعه ملی ایجاد کرد (Aydın, 2023: 7). کشورهای تازه استقلال یافته با رویکردهای متفاوتی به دوران گذار پاسخ دادند که منجر به سطوح مختلف درگیری، از قیام‌های خشونت‌آمیز تا جنگ داخلی شد. حتی در موارد بدون جنگ، تنوع قومی، مذهبی، مشکلات اقتصادی و تأثیرات خارجی ثبات منطقه را تحت تأثیر قرار داد. در دوران شوروی، دولت مرکزی هرگونه تمایز قومی یا هویتی را سرکوب می‌کرد و با مرزبندی‌های خود، هویت‌های ملی را تقسیم و جایگزین کرده بود. به این ترتیب، قفقاز منطقه‌ای استراتژیک با تاریخی پیچیده و پرتنش که نقش مهمی در محاسبات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی دارد و تغییرات پس از فروپاشی شوروی زمینه‌ساز تحولات عمیق در سیاست، امنیت و اقتصاد منطقه شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های اساسی کشورهای قفقاز جنوبی

گرجستان	ارمنستان	جمهوری آذربایجان	پایتخت
تفلیس	ایروان	باکو	مساحت (کیلومتر مربع)
۶۹.۷۰۰	۲۹.۷۴۳	۸۶.۶۰۰	جمعیت
۳.۹۰۴.۸۲۴	۲.۹۳۶.۵۲۶	۱۰.۰۰۹.۵۹۵	سیستم حاکمیتی
دموکراسی نمایندگی نیمه ریاستی	نظام پارلمانی	جمهوری نیمه ریاست جمهوری	رهبری فعلی
میخیل قاواشویلی (رئیس جمهور) ایراکلی کوباخیدزه (نخست وزیر)	واهاگن خاچاطوریان (رئیس جمهور) نیکول پاشینیان (نخست وزیر)	الهام علی‌اف (رئیس جمهور) علی اسدوف (نخست وزیر)	گروه‌های قومی*
گرجی‌ها (۸۶.۶٪)، روس‌ها (۰.۷٪)، یهودیان، جمهوری آذربایجانی‌ها (۰.۳٪)، ارمنی (۰.۵٪)، اوستی (۰.۴٪)، ایزدی، یونانی، اوکراینی، لاز	ارمنی (۹۸٪)، ایزدی، روسی	جمهوری آذربایجانی (۹۱٪)، لزگی (۲٪)، ارمنی (۱.۳٪)، روسی (۱.۳٪)، تالیش (۱.۲٪)، آوار (۰.۵٪)، ترکی (۰.۴٪)، تاتاری (۰.۳٪)، تات (۰.۳٪)، اوکراینی (۰.۲۵٪)	گروه‌های مذهبی
مسیحیت ارتدکس (۸۳.۴٪)، مسیحی ارمنی (۲.۹٪)، مسلمان (۱.۰۷٪)، کاتولیک رومی (۰.۸٪)	کلیسای حواری ارمنی (۹۳٪)، اسلام سنی	۹۵ درصد مسلمان (۸۵٪ شیعه؛ ۱۵٪ سنی)	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (دسامبر ۲۰۲۴)
۸.۳٪	۳.۷٪	۲.۷٪	امید به زندگی
۷۲.۶ سال (۶۸.۳ سال برای مردان، ۷۶.۸ سال برای زنان)	۷۴.۹ سال (۷۱.۶ سال برای مردان، ۷۸.۵ سال برای زنان)	۷۳.۱ سال (۷۰.۳ سال برای مردان، ۷۵.۷ سال برای زنان)	

\*ارقام گرجستان بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۴، بدون احتساب آبخازی‌ها و اوستیایی‌های ساکن آبخازیا و اوستیای جنوبی است. گرجی‌های قومی از سه گروه کارتولی، مینگری و سوان

تشکیل شده‌اند. Source: Aydın, 2023.

در دوره شوروی، سیاست مهندسی ملیت موجب ترکیب هویت‌های قومی و محلی در قفقاز شد. اگرچه سرکوب شدید شوروی تنوع قومی و مذهبی را مهار می‌کرد، ریشه‌های بی‌ثباتی باقی ماند و پس از فروپاشی شوروی به تنش‌های قومی و ملی انجامید. هر کشور قفقاز دارای ملیت غالب و اقلیت‌های متعدد است. از نظر مذهبی، جمهوری آذربایجان‌ها عمدتاً ترک‌تبار و شیعه، ارمنی‌ها و گرجی‌ها پیرو کلیسای ارتدکس شرقی‌اند که این تفاوت‌ها حساسیت‌های سیاسی و نگرانی‌هایی از نفوذ مذهبی ایران ایجاد کرده است. پس از جنگ سرد، ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی تحت‌تأثیر روسیه، ترکیه، ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفت. در دهه ۱۹۹۰ این سه کشور اصلی‌ترین بازیگران منطقه بودند؛ ترکیه با حمایت آمریکا مسیر انرژی به اروپا شد، اما نفوذ نظامی روسیه و میراث شوروی رقابت‌ها را تشدید کرد (Kucera, 2023). بحران قره‌باغ کوهستانی از مهم‌ترین مناقشات منطقه است که از زمان فروپاشی شوروی آغاز و در دهه ۱۹۹۰ به جنگی گسترده میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان انجامید؛ آتش‌بس پس از سال‌ها برقرار شد، اما در جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان بخشی از مناطق خود را باز پس گرفت (Aydın, 2023: 8). در گرجستان نیز مناقشات قومی در آبخازیا و اوستیای جنوبی با مداخله روسیه به جنگ ۲۰۰۸ انجامید که به رسمیت‌شناسی این مناطق توسط مسکو منجر شد (Aydın, 2023: 9) و نفوذ روسیه در قفقاز جنوبی افزایش یافت.

**تغییر دینامیک پس از جنگ دوم قره‌باغ.** جنگ دوم قره‌باغ میان ۲۷ سپتامبر تا ۹ نوامبر ۲۰۲۰، موازنه ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی را به سود جمهوری آذربایجان تغییر داد. این جنگ با میانجی‌گری روسیه و آتش‌بس موقت پایان یافت (Aydın and Neset, 2023: 11). در ۸ اوت ۲۰۲۵، با میانجی‌گری دونالد ترامپ در کاخ سفید، الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان توافق‌نامه‌ای امضا کردند که چهار دهه مناقشه را پایان داد. مفاد آن شامل احترام متقابل به تمامیت ارضی، عدم توسل به زور، و ایجاد «کریدور ترامپ برای صلح و شکوفایی بین‌المللی»<sup>۱</sup> از جمهوری آذربایجان به نخجوان از طریق ارمنستان است. این مسیر ۹۹ سال تحت مدیریت یک کنسرسیوم آمریکایی قرار دارد و جایگزین نقش گروه مینسک شد. توافق مزبور با استقبال جمهوری آذربایجان و مخالفت برخی ارمنیان مهاجر روبه‌رو شد (Ebel and Choi, 2025). ایران نیز با این کریدور مخالفت کرده و آن را تهدیدی برای امنیت ملی و نفوذ آمریکا در مرزهای خود می‌داند (TOI World Desk, 2025).

<sup>۱</sup>. Trump Route for International Peace and Prosperity

پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ، این کشور را از نظر سیاسی و اقتصادی تقویت کرد، در حالی که ارمنستان با ازدست‌دادن قلمرو و کاهش نفوذ، به اصلاح سیاست‌های داخلی و خارجی روی آورد. یکی از نتایج کلیدی جنگ، افزایش نفوذ روسیه و ترکیه بود. روسیه با استقرار نیروهای حافظ صلح و پایگاه نظامی در ارمنستان، موقعیت خود را به‌عنوان بازیگر امنیتی تثبیت کرد (De Waal, 2021: 8)، اما در سال‌های بعد با چالش‌هایی مواجه شد (Novikova, 2021; Azerbaijan State News Agency, 2022). در سپتامبر ۲۰۲۳، جمهوری آذربایجان با عملیات نظامی جدید، کنترل کامل قره‌باغ را به دست گرفت و در ژوئن ۲۰۲۴ نیروهای روسی از منطقه خارج شدند که تضعیف جایگاه مسکو را در پی داشت. ترکیه نیز با حمایت نظامی از جمهوری آذربایجان و سرمایه‌گذاری در بازسازی مناطق آزادشده، نفوذ خود را گسترش داد و با طرح مسیرهای ترانزیتی به آسیای مرکزی، به بخشی از پروژه «کمربند و راه» چین پیوست (Haber Turk, 2021). بهبود احتمالی روابط ترکیه و ارمنستان می‌تواند جایگاه آنکارا را بیش از پیش تقویت کند. ایران که با هر سه کشور قفقازی روابط رسمی دارد، در جنگ نقشی مستقیم نداشت؛ اما مواضع نزدیک به ارمنستان باعث تیرگی روابطش با جمهوری آذربایجان شد. همکاری نظامی جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی موجب افزایش تنش‌ها و محدود شدن نفوذ تهران در منطقه گردید. در سوی دیگر، غرب به‌ویژه ایالات متحده، اتحادیه اروپا و گروه مینسک در مدیریت بحران و میانجی‌گری ناکام ماندند. عملکرد ضعیف این نهادها موجب شد نفوذ روسیه و ترکیه در منطقه افزایش یابد. فرانسه نیز به دلیل حمایت از ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ، از سوی جمهوری آذربایجان و ترکیه مورد انتقاد قرار گرفت و جایگاه اتحادیه اروپا تضعیف شد (Kucera, 2023; European Council, 2022). در مجموع، جنگ دوم قره‌باغ باعث تحول گسترده‌ای در موازنه قدرت منطقه شد. جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه و همکاری‌های امنیتی و نظامی، توانست موقعیت خود را به طور چشمگیری بهبود بخشد. روسیه که سال‌ها بازیگر اصلی امنیتی منطقه بود، با خروج نیروهای حافظ صلح و کاهش نفوذ مستقیم در قره‌باغ، موقعیت خود را تا حدی از دست داده است، هرچند همچنان در ارمنستان و به‌عنوان میانجی‌گر مهم باقی مانده است. ترکیه با افزایش نفوذ و برنامه‌های ترانزیتی بلندمدت، نقش کلیدی در آینده قفقاز جنوبی بازی می‌کند. ایران اما با محدودیت‌های قابل‌توجهی مواجه شده و جایگاه آن در رقابت منطقه‌ای به شدت کاهش یافته است. غرب نیز با وجود تلاش‌های

پراکنده، هنوز نتوانسته نقش مؤثری در حل مناقشه ایفا کند، اما شرایط جنگ روسیه و اوکراین ممکن است به تغییراتی در این زمینه منجر شود.

### ۳. اولویت‌ها و واقعیت‌ها

هم‌جواری جغرافیایی و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی میان ایران و قفقاز جنوبی، موجب شده است که گسترش روابط با جمهوری‌های این منطقه همواره از اولویت‌های سیاست خارجی ایران باشد (Koolae et al., 2010). این روند از زمان فروپاشی اتحاد شوروی آغاز شد و در این میان، باکو و ایروان جایگاهی ویژه برای تهران داشتند. با وجود این، ایران در پیگیری نفوذ منطقه‌ای خود چندان فعال نبوده و دامنه تأثیر آن تحت‌تأثیر ملاحظات ژئوپلیتیکی، اقتصادی و رقابت با دیگر قدرت‌ها تعریف شده است (Hunter, 2017: 226). در حوزه اقتصادی، تمرکز ایران بر کریدورهای حمل‌ونقل، انرژی و تجارت است. اتصال خلیج فارس به دریای سیاه می‌تواند ایران را به مرکز ترانزیت منطقه تبدیل کند و همکاری‌های انرژی سود اقتصادی قابل توجهی در پی دارد (German, 2022: 1608-1609). با این حال، سیاست ایران در قفقاز بیشتر ماهیتی امنیتی دارد؛ تهران حفظ ثبات منطقه و جلوگیری از نفوذ غرب و رژیم صهیونیستی را در اولویت قرار داده است (Hunter, 2017).

ارمنستان نزدیک‌ترین شریک ایران در قفقاز جنوبی است. میان دو کشور، محور غیررسمی «ایران - روسیه - ارمنستان» برای موازنه در برابر ترکیه، جمهوری آذربایجان و غرب شکل گرفته است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶: ۳۰۳). روابط نزدیک تهران و ایروان، برخلاف فاصله سیاسی با جمهوری آذربایجان شیعه‌مذهب، ناشی از محاسبات راهبردی و دسترسی ایران از طریق ارمنستان به گرجستان و دریای سیاه است (Yepremyan, 2021؛ کولایی، ۱۳۹۶: ۴۳۹). این روابط با مشارکت روسیه تکمیل می‌شود و بی‌اعتمادی مشترک نسبت به جمهوری آذربایجان و روابط مثبت با مسکو، محور «مسکو - ایروان - تهران» را تقویت کرده است (Kraus et al., 2016: 456-459).

در مقابل، روابط ایران و جمهوری آذربایجان با وجود اشتراکات قومی، تاریخی و مذهبی، همواره پرتنش بوده است. همکاری‌های اقتصادی و انرژی بالقوه وجود دارد (Valiyev, 2017)، اما گرایش‌های غرب‌گرایانه باکو و روابط نزدیک آن با رژیم صهیونیستی مهم‌ترین موانع به شمار می‌روند (Hunter, 2017). افزون بر آن، هویت ملی جمهوری آذربایجان از ابتدا در تقابل با هویت ایرانی شکل گرفته است (رسول‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۴؛ کالیراد، ۱۳۹۲:

۱۳۷-۱۳۸). اختلافات در دریای خزر نیز عامل دیگر تنش است؛ ایران خواستار غیرنظامی‌سازی و مخالفت با حضور خارجی است، در حالی که باکو حتی استقرار ناتو را مطرح کرده است (کولایی و گودرزی، ۱۳۹۲: ۱۹۳). بحران «منطقه البرز» در سال ۲۰۰۱ نمونه‌ای از این اختلافات بود (صوراناری، ۱۳۹۵: ۱۰۴). ایران در واکنش، از ابزارهایی مانند توان نظامی در خزر و حمایت از گروه‌های شیعی در جمهوری آذربایجان استفاده کرده است. با این حال، روابط تهران و باکو تابعی از سیاست ایران در قبال قدرت‌های جهانی بوده است؛ چنان که پس از برجام ۲۰۱۵ امید به بهبود روابط افزایش یافت (Kraus et al., 2016: 453-456).

روابط ایران و گرجستان محدودتر بوده است، زیرا دو کشور مرز زمینی ندارند و مداخلات آمریکا، رژیم صهیونیستی و روسیه نیز مانع گسترش روابط شده است (کولایی، ۱۳۹۶). همکاری‌های دو کشور عمدتاً اقتصادی و در زمینه گردشگری و سرمایه‌گذاری است. پس از جنگ ۲۰۰۸ گرجستان و کاهش وابستگی آن به روسیه، فرصت‌هایی برای ایران پدید آمد، اما ترکیه و غرب همچنان شرکای ترجیحی تفلیس باقی مانده‌اند. ایران می‌توانست جایگزین مناسبی برای گاز روسیه باشد، اما با موانع سیاسی از سوی مسکو و واشنگتن مواجه شد (Koolae et al., 2010: 405). در مجموع، سیاست ایران در قفقاز جنوبی مبتنی بر موازنه‌سازی، حفظ ثبات، مقابله با نفوذ غرب و حفظ همکاری با روسیه و ارمنستان است، در حالی که روابط با جمهوری آذربایجان و گرجستان در چارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیکی محدود باقی مانده است.

با شروع مناقشه قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، سیاست جمهوری اسلامی ایران همواره محل مناقشه و تحلیل بوده است. با آغاز جنگ اول قره‌باغ، ایران سیاست بی‌طرفی اتخاذ کرد و کوشید میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان میانجی‌گری کند. با این حال، در داخل ایران و منطقه رود ارس دیدگاه‌های متعارضی نسبت به جهت‌گیری واقعی تهران وجود داشت. گروهی از مقامات ایرانی بر این باور بودند که ایران با پایبندی به اصول اسلامی، از جمهوری آذربایجان حمایت کرده است؛ چنان که محسن رضایی در مصاحبه‌ای اعلام کرد ایران در دهه ۱۹۹۰ تجهیزات و آموزش نظامی در اختیار ارتش جمهوری آذربایجان قرار داده و هدف آن حفظ تمامیت ارضی این کشور به‌صورت مسالمت‌آمیز بوده است (Dadparvar, 2023: 342; Kucera, 2013).

در مقابل، گروهی دیگر معتقد بودند ایران عملاً به نفع ارمنستان متمایل بود. این دیدگاه با توجه به نگرانی تهران از گرایش‌های سکولار و پان‌ترکیستی دولت جمهوری آذربایجان، و تمایل به همکاری با روسیه قابل توجیه دانسته می‌شود. برخی منابع جمهوری آذربایجان نیز ادعا

کردند ایران با حمایت ضمنی از ارمنستان در شکست جمهوری آذربایجان نقش داشت و حتی مسیر انتقال تسلیحات روسیه به ارمنستان از خاک ایران ممکن بود (Dadparvar, 2023: 342). در همین راستا، ایران در دوره محاصره ارمنستان توسط ترکیه و گرجستان، مرزهای خود را باز نگه داشت و مناسبات اقتصادی و سیاسی خود با ایروان را گسترش داد.

در جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، سیاست ایران متوازن‌تر و محتاطانه‌تر شد. تهران بر لزوم گفت‌وگو و پایان مسالمت‌آمیز درگیری‌ها تأکید کرد، اما هم‌زمان از تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان حمایت نمود. سه روز پس از آغاز درگیری، نمایندگان استان‌های آذری ایران با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند که قره‌باغ به‌حق متعلق به جمهوری آذربایجان است (Dadparvar, 2023: 34). آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران در ۳ نوامبر ۲۰۲۰ موضع رسمی ایران را چنین بیان کرد: تمام اراضی جمهوری آذربایجان باید آزاد شود، اما امنیت ارمنی‌های ساکن این مناطق نیز باید تضمین گردد. همچنین حضور تروریست‌ها در نزدیکی مرزهای ایران غیرقابل قبول است (IRNA website, 2020a). این موضع از سوی باکو مورد استقبال قرار گرفت و وزارت خارجه جمهوری آذربایجان از آن تقدیر کرد (IRNA website, 2020b).

با وجود این، روابط دیپلماتیک دو کشور پس از جنگ بهبود چندانی نیافت. رسانه‌ها ایران را به عبور دادن تسلیحات روسی از خاک خود به مقصد ارمنستان متهم کردند، هرچند تهران این اتهام را رد کرد. علی‌اف، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان، پس از جنگ مدعی شد روسیه از مسیر ایران و ترکمنستان سلاح به ارمنستان انتقال داده است. علاوه بر این، سخت‌گیری در قبال رانندگان ایرانی در مسیر ارمنستان، روابط دو کشور را تیره‌تر کرد. در پاسخ، ایران رزمایش‌هایی در نزدیکی مرز جمهوری آذربایجان برگزار نمود که باعث افزایش تنش شد (Qanbarloo, 2022: 267).

در سال ۲۰۲۲، علی‌اف بار دیگر از ورود غیرقانونی کامیون‌های ایرانی به قره‌باغ در دوره اشغال شکایت کرد و از «زمان‌بندی مشکوک رزمایش‌های ایران» ابراز تعجب نمود. او همچنین ادعا کرد مسیر قاچاق مواد مخدر از ایران و مناطق اشغالی به ارمنستان و اروپا مسدود شده است (President of the Republic of Azerbaijan website, 2021). این مواضع سبب شکل‌گیری نارضایتی در داخل ایران شد. برخی گروه‌های سیاسی و رسانه‌ای، موضع تهران را در جنگ دوم قره‌باغ منفعل و ناکافی دانستند و معتقد بودند ایران می‌توانست از جمهوری آذربایجان حمایت فعال‌تری کند. در مقابل، جریان‌های دیگر، خصوصاً در میان آذری‌های ایران، از سیاست تهران دفاع کرده و آن را منطبق با اصول

اسلامی و منافع ملی دانستند. برخی معتقدند ایران در مناقشه قره‌باغ میان دو دسته ملاحظات قرار داشت: نخست، تعهد دینی و فرهنگی به حمایت از جمهوری آذربایجان و مسلمانان منطقه؛ دوم، ضرورت‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی که حفظ روابط با روسیه و جلوگیری از نفوذ ترکیه و رژیم صهیونیستی را ایجاب می‌کرد (Dadparvar, 2023: 345)؛ بنابراین، سیاست ایران مبتنی بر موازنه‌سازی و حفظ وضعیت موجود بود.

در نهایت، رویدادهای جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ بازتابی از چالش دیرینه ایران میان ایدئولوژی اسلامی و واقع‌گرایی ژئوپلیتیکی است. جمهوری اسلامی از یک‌سو خود را مدافع امت اسلامی و تمامیت ارضی کشورهای مسلمان معرفی می‌کند، و از سوی دیگر، برای حفظ توازن منطقه‌ای، به همکاری با بازیگرانی چون روسیه و ارمنستان نیاز دارد. این دوگانگی موجب شده سیاست ایران در قفقاز نه کاملاً ایدئولوژیک و نه کاملاً عمل‌گرایانه باشد، بلکه ترکیبی از هر دو منطق باشد. در نتیجه، موضع تهران در مناقشه قره‌باغ را می‌توان تلاشی برای حفظ ثبات منطقه، جلوگیری از نفوذ غرب و رژیم صهیونیستی، و درعین‌حال، پاسداری از منافع امنیتی و تمامیت ارضی خود دانست سیاستی که همچنان محل بحث و ارزیابی در میان پژوهشگران و نخبگان سیاسی باقی مانده است.

#### ۴. شکل‌گیری مدل همکاری ۳+۳ در قفقاز جنوبی

در جریان جنگ دوم قره‌باغ در پاییز ۲۰۲۰، جمهوری اسلامی ایران طرح همکاری منطقه‌ای «۳+۳» را با هدف تقویت صلح و ثبات در قفقاز جنوبی پیشنهاد کرد. این مدل شامل سه کشور قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و سه کشور همسایه (ایران، روسیه و ترکیه) بود و پس از سفرهای دیپلماتیک سید عباس عراقچی و محمدجواد ظریف مطرح شد. تقریباً هم‌زمان، رجب طیب اردوغان نیز طرح مشابهی با عنوان «چارچوب همکاری شش کشور» ارائه داد که ترکیب و اهداف مشابهی داشت. جمهوری آذربایجان و روسیه از این پیشنهاد استقبال کردند، اما ارمنستان و گرجستان واکنش متفاوتی نشان دادند؛ گرجستان با حضور روسیه در هر قالب همکاری مخالفت کرد و ارمنستان نیز با تردید به آن نگرست (Dadparvar, 2023: 348). گرجستان به دلیل تجربه تلخ جنگ ۲۰۰۸ و اشغال مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی توسط روسیه، از مشارکت در طرح‌هایی که مسکو در آن نقش داشت خودداری کرد. علی‌رغم تلاش‌های دیپلماتیک ایران و ترکیه، تفلیس موضع خود را حفظ کرد و وزیر خارجه

گرجستان در نوامبر ۲۰۲۰ تأکید نمود که کشورش در هیچ قالب همکاری با حضور روسیه شرکت نخواهد کرد (Kaleji, 2021).

در نخستین نشست ۳+۳ در مسکو (دسامبر ۲۰۲۱)، گرجستان غایب بود اما پرچم آن نصب شد که نشانه‌ای از احتمال مشارکت آینده تلقی شد. نماینده ایران، علیرضا حقیقیان، بر احترام به تمامیت ارضی کشورها و پرهیز از هرگونه تغییر ژئوپلیتیکی تأکید کرد. ارمنستان نیز که پس از شکست نظامی در سال ۲۰۲۰ نگران نقش ترکیه و جمهوری آذربایجان بود، موضعی محتاطانه داشت. نیکول پاشینیان پس از پیروزی انتخاباتی خود در ۲۰۲۱ اعلام کرد که مناقشه قره‌باغ و کریدور زنگزور نباید صرفاً در قالب ۳+۳ حل و فصل شود و این مسائل باید در چارچوب مذاکرات سه‌جانبه ارمنستان-جمهوری آذربایجان-روسیه یا از طریق گروه مینسک بررسی شود (Mankoff, 2022).

با وجود ملاحظات که در بالا ذکر شد، توجه به چند نکته کلیدی در رابطه با مدل ۳+۳ در قفقاز که جمهوری اسلامی ایران در ابتدا پیشنهاد کرده بود، حائز اهمیت است:

- نشست ۳+۳ در مسکو برای اولین بار پس از فروپاشی شوروی پنج کشور ایران، روسیه، ترکیه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان را برای همکاری‌های منطقه‌ای گرد هم آورد. پیش‌تر، طرح‌هایی مانند «ابتکار صلح‌آمیز قفقاز» ادوارد شواردنادزه، «پیمان ثبات برای قفقاز» سلیمان دمیرل، «چارچوب همکاری و ثبات قفقاز» اردوغان در ۲۰۰۸ و «قفقاز واحد» میخائیل ساکاشویلی به دلیل اختلافات منطقه‌ای و قطع روابط دیپلماتیک کشورها نتایج ملموسی نداشتند. فرمت ۳+۳ نقطه عطفی در همکاری منطقه‌ای فراتر از قالب سه‌جانبه ارمنستان، جمهوری آذربایجان و روسیه یا گروه مینسک بود، هرچند فقدان برنامه‌های عملی مانع پیشرفت شد.

- در اجلاس مسکو، گزینه مشارکت گرجستان باز گذاشته شد و پنج کشور دیگر به مذاکرات ۲+۳ ادامه دادند تا گرجستان پس از مشاهده نتایج عملی بتواند به فرمت بپیوندد. این وضعیت شبیه به تجربه ازبکستان در گروه پنج‌شانگهای بود که ابتدا به دلیل اختلافات شرکت نکرد اما پس از مشاهده موفقیت‌ها، در سال ۲۰۰۰ پیوست (Dadparvar, 2023: 350).

- تنش‌ها و اختلافات موجود، به‌ویژه دو جنگ قره‌باغ و قطع روابط دیپلماتیک، همکاری‌های منطقه‌ای را دشوار کرده است. با این حال، طی سه دهه گذشته

کشورها علی‌رغم روابط محدود، دیدارهای دوجانبه و چندجانبه داشته‌اند، مانند دیدارهای دیپلماتیک بین رهبران ارمنستان و ترکیه که حتی به «دیپلماسی فوتبال» انجامید (Genser, 2019).

– پس از جنگ دوم قره‌باغ، روابط ارمنستان و جمهوری آذربایجان به وضعیت آلمان و فرانسه پس از جنگ جهانی دوم تشبیه شده است؛ جایی که همکاری اقتصادی زمینه‌ساز همگرایی سیاسی شد. به همین ترتیب، احیای راه‌آهن قفقاز جنوبی و بهره‌برداری عادلانه از منابع آب کورا-ارس می‌تواند همکاری منطقه‌ای را تقویت کند (Ismayilov and A. Graham, 2016). در چارچوب ۳+۳، آغاز همکاری از حوزه‌های کم تنش مانند حمل‌ونقل و منابع طبیعی، زمینه‌ساز وحدت میان ایران، روسیه، ترکیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است. این رویکرد تدریجی و عمل‌گرایانه می‌تواند بستر حل مناقشات و توسعه پایدار منطقه قفقاز را فراهم سازد.

## ۵. روابط اقتصادی ایران در منطقه

منطقه قفقاز جنوبی با موقعیت ژئوپلیتیکی حساس خود، همواره نقش مهمی در سیاست‌های خارجی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران ایفا کرده است. جمهوری آذربایجان و ارمنستان به‌عنوان دو همسایه شمالی ایران، روابط اقتصادی و تجاری گسترده‌ای با این کشور دارند. با این حال، تحولات اخیر در منطقه، به‌ویژه جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و توافق آتش‌بس نوامبر همان سال، تأثیرات قابل‌توجهی بر روابط اقتصادی ایران با این دو کشور داشته است. این بخش به بررسی وضعیت اقتصادی ایران قبل و بعد از توافق نوامبر ۲۰۲۰ و چالش‌های آن در تعاملات با کشورهای قفقاز جنوبی می‌پردازد.

روابط اقتصادی ایران با کشورهای قفقاز جنوبی. حجم تجارت ایران با جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۹ حدود ۵۰۰ میلیون دلار بود که نشان‌دهنده حجم نسبتاً پایین این روابط است. جمهوری آذربایجان به دلیل روابط تجاری با کشورهای غربی و دسترسی به بازارهای انرژی، در شرایط تحریم‌ها کمتر به ایران متکی بود (Baghirov, 2020). حجم مبادلات تجاری در سال ۲۰۲۳ میلادی به حدود ۶۷۱.۵ میلیون دلار رسید. از این حجم، سهم صادرات ایران به جمهوری آذربایجان ۶۲۴.۲ میلیون دلار و واردات ایران از این کشور ۴۷.۲ میلیون دلار بوده است. همچنین بر اساس آمار منابع جمهوری آذربایجانی،

حجم تجارت دو کشور در سه ماهه نخست سال ۲۰۲۴ میلادی نیز ۱۳۴ میلیون دلار بود (وزارت امور خارجه ایران، ۱۴۰۳). در مقابل، روابط اقتصادی ایران با ارمنستان بیشتر و متنوع تر بود. ایران یکی از تأمین کنندگان عمده انرژی برای ارمنستان است و صادرات گاز ایران به ارمنستان یکی از ارکان مهم این روابط است. حجم تجارت ایران با ارمنستان در سال ۲۰۱۹ به حدود ۴۰۹ میلیون دلار (Middle East Institute, 2020) و ۶۹۳ میلیون در سال ۲۰۲۳ رسید (Caucasus watch, 2024) و ایران به‌عنوان یکی از شرکای مهم تجاری ارمنستان شناخته می‌شد. این رشد را می‌توان به بهبود سیاست‌های اقتصادی، ثبات منطقه‌ای و تقویت توافقات دوجانبه نسبت داد. در حالی که صادرات ارمنستان به ایران نوساناتی را تجربه کرده است، واردات از ایران روند رشد پایدارتری را نشان داده است که نشان‌دهنده تقاضای قوی برای کالاهای ایرانی در ارمنستان است.

جدول ۲. حجم تجارت ایران و ارمنستان ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ (میلیون دلار آمریکا)

سال	حجم معاملات	صادرات	واردات (بر اساس کشور مبدأ)	واردات (بر اساس کشور صادرکننده)
۲۰۱۹	۴۰۹	۸۳.۹	۳۲۵	۳۲۵
۲۰۲۰	۴۰۱	۸۴	۳۱۷	۳۱۸
۲۰۲۱	۵۰۴	۶۵	۴۳۹	۳۲۵
۲۰۲۲	۷۱۰	۱۱۱	۵۹۹	۶۰۱
۲۰۲۳	۶۹۳	۹۵	۵۹۸	۶۱۲

Source: <https://caucasuswatch.de/en/insights/economic-cooperation-of-armenia-and-iran-great-potential-and-great-challenges.html>

چالش‌های اقتصادی ایران در تعاملات با کشورهای قفقاز جنوبی. یکی از چالش‌های بزرگ ایران در تعاملات اقتصادی با کشورهای قفقاز جنوبی، محدودیت‌های بانکی ناشی از تحریم‌ها بود. این تحریم‌ها موجب شده بود که بانک‌های ایرانی نتوانند به راحتی تراکنش‌های مالی خود را با کشورهای قفقاز جنوبی انجام دهند. این محدودیت‌ها، باعث کاهش حجم تجارت ایران با کشورهای این منطقه شد. رقابت‌های اقتصادی ایران با کشورهای رقیب همچون ترکیه نیز از دیگر چالش‌ها در این تعاملات بود. ترکیه در سال‌های اخیر به‌ویژه در حوزه‌های انرژی و ترانزیت کالا، روابط تجاری خود را با جمهوری آذربایجان و ارمنستان

گسترش داده بود. این امر باعث شده بود که ایران در رقابت‌های اقتصادی با این کشورها با مشکلاتی مواجه شود (Baghirov, 2020). ایران همچنین با مشکلات زیرساختی در زمینه ترانزیت کالا و حمل‌ونقل مواجه بود. برخی از مشکلات گمرکی و ترانزیتی موجب شده بود که ایران نتواند به طور مؤثر در زمینه ترانزیت کالا از طریق کشورهای قفقاز جنوبی فعالیت کند (Middle East Institute, 2020).

**ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا.** اتحادیه اقتصادی اوراسیا با هدف تقویت ادغام اقتصادی منطقه‌ای و اصلاح تلاش‌های ناکام گذشته در جمهوری‌های شوروی سابق، در ۲۹ مه ۲۰۱۴ با امضای توافق‌نامه اقتصادی اوراسیا در نشست شورای عالی اقتصادی در آستانه قزاقستان شکل گرفت و از اول ژانویه ۲۰۱۵ آغاز به کار کرد. اعضای بنیان‌گذار آن روسیه، قزاقستان و بلاروس بودند و ارمنستان در ژانویه ۲۰۱۵ پیوست. طی سال‌های اخیر، جایگاه جمهوری اسلامی ایران در این اتحادیه موضوع بحث بوده است. برخی کارشناسان، با توجه به پیوندهای تاریخی و اهمیت ژئوپلیتیکی اتحادیه، همگرایی اقتصادی ایران را فرصت‌ساز می‌دانند؛ در حالی که عده‌ای دیگر هشدار می‌دهند چنین مسیری ممکن است نفوذ روسیه را افزایش داده و ایران را وارد رقابت‌های ژئوپلیتیکی پرهزینه کند. در همین راستا، تهران ایجاد یک منطقه آزاد تجاری با اتحادیه را پیشنهاد داد که پس از دو سال مذاکره، در سال ۲۰۱۸ در آستانه به امضا رسید (The Astana Times, 2022).

این نخستین توافق جامع ایران با یک اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای خارج از سازمان همکاری اقتصادی بود و اجرای آن در ۲۰۱۹ آغاز شد. توافق مذکور ایران را در مسیر تجارت آزاد با اوراسیا قرار داد. عملکرد اتحادیه در افزایش تجارت میان اعضا، موقعیت آن را برای ایران جذاب ساخته است. حجم تجارت خارجی اتحادیه در سال ۲۰۱۸ به ۴.۷۵۳ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۱۹، تجارت ایران با اوراسیا ۲.۷ میلیارد دلار بود؛ روسیه ۱.۷۰۷ میلیارد دلار، قزاقستان ۶۰۰ میلیون دلار، بلاروس ۱۶۰ میلیون دلار، ارمنستان ۱۷۰ میلیون دلار و قرقیزستان ۲۰ میلیون دلار (Dadparvar, 2023: 404). این روند در نهایت به امضای توافق کامل تجارت آزاد در ۲۵ دسامبر ۲۰۲۳ انجامید که پس از تصویب در پارلمان‌ها، از ۱۵ مه ۲۰۲۵ اجرایی شد. طبق آمار، در ۹ ماه نخست سال ۱۴۰۳ (۲۰ مارس تا ۲۱ دسامبر ۲۰۲۴)، حجم تجارت ایران و اتحادیه ۲.۷۰۴ میلیارد دلار بوده است (Tehran Times, 2025). توافق ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا موجب بهره‌مندی از معافیت‌های گمرکی و گسترش صادرات نفتی و غیرنفتی شده و زمینه تقویت ذخایر ارزی و کاهش آثار تحریم‌های

غرب را فراهم کرده است. منابع متنوع اعضا و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران میان دریای خزر و خلیج فارس، این کشور را به مسیر ترانزیتی کلیدی در کریدورهای بین‌المللی مانند شمال - جنوب و تراسیکا بدل کرده است. نزدیکی ارمنستان نیز به تسهیل تجارت با اوراسیا کمک می‌کند. همچنین، زیرساخت‌های انرژی ایران ظرفیت انتقال نفت و گاز به آب‌های آزاد را دارد و با به‌روزرسانی آن، ایران می‌تواند به محور اصلی انرژی منطقه تبدیل شود. در مجموع، توافق تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا نقطه عطفی در سیاست خارجی اقتصادی ایران محسوب می‌شود. این همکاری نه تنها دسترسی به بازارهای جدید را تضمین می‌کند، بلکه به ایران اجازه می‌دهد تا بخشی از آثار تحریم‌ها را جبران کرده و جایگاه ژئوپلیتیکی خود به‌عنوان محور انرژی و ترانزیت منطقه‌ای را تقویت نماید. هرچند برخی کارشناسان نسبت به افزایش وابستگی به روسیه هشدار می‌دهند، اما شواهد آماری و موقعیت ایران نشان می‌دهد که این همگرایی می‌تواند برای اقتصاد ایران در کوتاه‌مدت و بلندمدت مزایای قابل توجهی به همراه داشته باشد.

#### ۶. تأثیرات تحولات قفقاز جنوبی بر ایران

تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی، به‌ویژه جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ در سال ۲۰۲۰، پیامدهای مهمی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشت. این جنگ که از سپتامبر آغاز و با توافق آتش‌بس سه‌جانبه میان جمهوری آذربایجان، ارمنستان و روسیه در نوامبر پایان یافت، موازنه قدرت در منطقه را تغییر داده و حساسیت‌های تهران را در حوزه‌های مرزی، قومی، حضور بازیگران خارجی و ژئوپلیتیکی افزایش داد (Shiriyev, 2021). بازپس‌گیری مناطق اشغالی توسط جمهوری آذربایجان، به‌ویژه جبرئیل و زنگلان در مجاورت مرزهای شمال غربی ایران، موجب نزدیکی نیروهای آذری و متحدان احتمالی آنان همچون ترکیه و رژیم صهیونیستی شد که این تحول حساسیت‌های امنیتی ایران را تقویت کرد. نقش ترکیه به‌عنوان اصلی‌ترین حامی جمهوری آذربایجان نیز موجب نگرانی تهران شد، زیرا آنکارا پس از جنگ حضور نظامی و مستشاری خود را در جمهوری آذربایجان گسترش داد. روابط نزدیک جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی، شامل همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی، تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران محسوب می‌شود، زیرا حضور رژیم صهیونیستی در نزدیکی مرزهای شمال غربی خط قرمز تهران است (Katz, 2021).

این تحولات همچنین حساسیت‌های هویتی در میان اقلیت‌های آذری‌زبان کشورهای هم‌جوار را تشدید کرد. هرچند حمایت‌های سیاسی و رسانه‌ای باکو محدود بوده، اما استمرار این اقدامات می‌تواند زمینه‌ساز تهدیدات قوم‌گرایانه در داخل ایران گردد. واکنش ایران شامل برگزاری رزمایش‌های مرزی و نمایش توان بازدارندگی بود تا پیام روشنی به بازیگران منطقه‌ای و مخاطبان داخلی ارسال شود. نگرانی راهبردی دیگر ایران مربوط به طرح «کریدور زنگه‌زور» است که در توافق آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۰ مطرح شد؛ این مسیر با اتصال زمینی جمهوری آذربایجان به نخجوان و ترکیه بدون عبور از خاک ایران می‌تواند نقش ژئوپلیتیکی تهران در ترانزیت منطقه‌ای و نفوذ اقتصادی ایران را کاهش دهد (Mehdiyev, 2021).

جنگ دوم قره‌باغ بار دیگر جایگاه قفقاز جنوبی در سیاست خارجی ایران را مورد توجه قرار داد. تمرکز تاریخی تهران پس از انقلاب اسلامی بر خاورمیانه و اولویت دادن به مسائل امنیتی، اقتصادی و ایدئولوژیک این منطقه موجب شده بود کشورهای شمال ارس کمتر در سیاست خارجی ایران در اولویت قرار گیرند. محدودیت‌های مسکو در جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در شمال ارس و نیاز تهران به روابط راهبردی با روسیه نیز نقش مهمی در این سیاست ایفا کرد.

در موضوع دریای خزر نیز ایران موضع منفعلانه داشت، درحالی‌که دیگر کشورهای ساحلی از منابع نفت و گاز بهره‌برداری می‌کردند و ایران به دلیل ذخایر وسیع‌تر در جنوب و پرهیز از تنش‌های سیاسی شمال اقدامات محدودی انجام داد (Franz, 2001).

جنگ دوم قره‌باغ معادلات منطقه‌ای را تغییر داد: روسیه دیگر انحصار نفوذ در قفقاز ندارد، ترکیه به بازیگری پویا و جسور بدل شده، رژیم صهیونیستی با فروش سلاح موازنه قدرت را تغییر داده و جمهوری آذربایجان با منابع انرژی و اتحاد با ترکیه و رژیم صهیونیستی قدرت بیشتری کسب کرده است. در نتیجه، نفوذ ایران در قفقاز نسبت به دهه ۱۹۹۰ کاهش یافته و این وضعیت پیامدهای راهبردی مهمی برای تهران دارد. سیاست‌های آینده ایران در قفقاز جنوبی می‌تواند روابط آن با روسیه، ترکیه، اتحادیه اروپا و مشارکت در پروژه‌هایی چون «کمربند و راه» را شکل دهد و در غیر این صورت ایران ممکن است از مسیرهای ژئو اقتصادی منطقه کنار گذاشته شود و با پیامدهای اقتصادی و امنیتی مواجه گردد.

اختلال در مسیرهای ترانزیتی روسیه - اروپا پس از جنگ اوکراین، اهمیت سه کریدور ارتباطی در منطقه اوراسیا و اطراف آن را افزایش داد: «کریدور میانی» از چین، آسیای مرکزی، دریای خزر، قفقاز، ترکیه و اروپا عبور می‌کند؛ «کریدور شمال - جنوب» روسیه را از

طریق دریای خزر و جمهوری آذربایجان به ایران و هند متصل می‌کند؛ و «کریدور خلیج فارس-دریای سیاه» بنادر جنوبی ایران را از طریق ارمنستان و گرجستان به دریای سیاه متصل می‌کند. در حالی که «کریدور میانی» مسیر شرق-غرب برای دور زدن ایران و روسیه است، دو کریدور دیگر با منافع ترانزیتی و تجاری ایران همسو هستند (Yeghiazaryan, 2016). بهره‌برداری مؤثر از این مسیرها نیازمند توسعه کشتی‌های رو-رو در دریای خزر، تکمیل راه‌آهن رشت-آستارا و مسیر چابهار-زاهدان و مشارکت در ساخت بزرگراه شمال-جنوب در ارمنستان و تکمیل شبکه ریلی ساحل جنوبی خزر است (Press TV website, 2022). حضور رژیم صهیونیستی در قفقاز جنوبی، به ویژه جمهوری آذربایجان، بعد از توافق آتش‌بس ۲۰۲۰، تهدیدی راهبردی برای ایران ایجاد کرده است. این کشور با تقویت همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی خود با باکو، تهدیدات نظامی، اطلاعاتی و اجتماعی برای تهران ایجاد کرده و اهمیت راهبردی منطقه را برجسته می‌کند. ایران همواره در تلاش بوده روابط خود با جمهوری آذربایجان را در چارچوب دوستانه حفظ کند تا امنیت ملی تحت تأثیر منفی قرار نگیرد (Rahim, 2021; Tabatabai, 2020). به‌صورت خلاصه می‌توان مهم‌ترین تأثیرهای حضور رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز جنوبی و به‌خصوص روابط آن با جمهوری آذربایجان را در موارد زیر خلاصه کرد:

**تهدیدات نظامی.** یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های ایران از حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، تهدیدات بالقوه نظامی است. روابط نزدیک جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی می‌تواند به ایران این احساس را بدهد که تهدیدات نظامی از شمال به سمت مرزهایش در حال گسترش است. ایران همواره نگرانی‌هایی از استفاده رژیم صهیونیستی از خاک کشورهای همسایه برای عملیات اطلاعاتی یا حتی نظامی داشته است. حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان ممکن است به این تهدیدات افزوده و امنیت مرزهای شمالی ایران را به خطر اندازد (Farhadi, 2022).

**تهدیدات اطلاعاتی و جاسوسی.** رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان در زمینه تکنولوژی‌های اطلاعاتی و جاسوسی شناخته می‌شود. همکاری‌های اطلاعاتی میان رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان می‌تواند به افزایش فعالیت‌های جاسوسی علیه ایران منجر شود. ایران به‌شدت نگران این است که از طریق این همکاری‌ها، رژیم صهیونیستی بتواند در داخل ایران به جمع‌آوری اطلاعات حساس بپردازد و حتی بر سیاست‌های داخلی ایران تأثیر بگذارد (Aydm, 2021).

**تهدیدات اجتماعی و قومی.** جمهوری اسلامی ایران نگرانی‌هایی نسبت به پیامدهای ژئوپلیتیکی حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان دارد، به‌ویژه در ارتباط با تلاش‌های بالقوه برای تحریک گرایش‌های واگرایانه در میان برخی از گروه‌های قومی در مناطق شمال غربی کشور. با توجه به این که تمامی اقوام ایرانی، از جمله ترک‌زبانان ساکن در استان‌های جمهوری آذربایجان شرقی و غربی، بخش جدایی‌ناپذیر از هویت ملی ایران محسوب می‌شوند و هیچ‌یک به‌عنوان اقلیت تلقی نمی‌شوند، هرگونه اقدام خارجی در جهت بهره‌برداری سیاسی یا امنیتی از تنوع قومی کشور می‌تواند به تهدیدی برای انسجام ملی و ثبات داخلی تبدیل شود. افزون بر این، همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی میان جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی از دید تهران ممکن است به‌گونه‌ای طراحی شود که زمینه‌ساز برهم‌زدن توازن اجتماعی و ایجاد گسل‌های قومی یا مذهبی در ایران گردد (Tabatabai, 2020).

**تقویت روابط با ارمنستان.** یکی از اولین واکنش‌های ایران به گسترش روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی، تقویت روابط با ارمنستان بوده است. ایران تلاش کرده است که با تقویت روابط سیاسی و اقتصادی با ارمنستان، توازن قدرت در قفقاز جنوبی را حفظ کند. ارمنستان که در گذشته روابط نزدیکی با ایران داشته، به‌عنوان یک شریک راهبردی در برابر نفوذ رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان شناخته می‌شود (Kipiani, 2020: 90).

**تقویت نیروهای نظامی در مرزهای شمالی.** ایران به‌طور قابل توجهی حضور نظامی خود را در مناطق مرزی شمالی تقویت کرده است. این تقویت نیروها می‌تواند شامل استقرار سیستم‌های دفاع هوایی، تجهیزات راداری پیشرفته و افزایش تمرینات نظامی در مناطق مرزی باشد (Rahim, 2021). این اقدامات به‌ویژه در واکنش به نگرانی‌های ایران از تهدیدات رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان طراحی شده است.

**دیپلماسی و فشار سیاسی.** پس از جنگ دوم قره‌باغ، ایران علاوه بر اقدامات نظامی، از کانال‌های دیپلماتیک برای فشار بر جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی استفاده کرده و مخالفت خود با گسترش همکاری‌های نظامی این کشورها را از طریق سازمان‌های بین‌المللی اعلام نموده است (Farhadi, 2022). یکی از چالش‌های مهم برای ایران، اختلاف بر سر دالان زنگه‌زور و دسترسی جمهوری آذربایجان به نخجوان است. پس از جنگ دوم قره‌باغ، جمهوری آذربایجان با حمایت روسیه به دنبال ایجاد «کریدور زنگه‌زور» بود، اما ارمنستان با تفسیر حداقلی بند نهم توافق آتش‌بس، آن را صرفاً مسیری تحت حاکمیت خود دانست (Dadparvar, 2023: 385). این اختلاف‌ها تنش‌های لفظی و تهدیدات نظامی از سوی باکو را

تشدید کرده و ایران را نگران انسداد مرز ۳۸ کیلومتری خود با ارمنستان ساخته است. توافق ایران و جمهوری آذربایجان برای ساخت جاده و خط‌آهن از خاک ایران به نخجوان به‌عنوان مانع عملی در برابر طرح زنگزور تلقی می‌شود و حمایت ترکیه و اتحادیه اروپا از آن، به امنیتی شدن فضای قفقاز افزوده است (Ibid: 386). تحلیلگران ایرانی طرح زنگه‌زور را ابتکار ترکیه و جمهوری آذربایجان با پشتیبانی اروپا و رژیم صهیونیستی می‌دانند که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تضعیف و نفوذ ترکیه و اتصال کشورهای ترک آسیای مرکزی را تقویت می‌کند (Chedia, 2024: 11؛ Koch, 2023: 4-6). از منظر اقتصادی، این کریدور تهدیدی برای مسیرهای ترانزیتی شرق - غرب و شمال - جنوب ایران است، زیرا مسیر ارمنستان کوتاه‌تر و ارزان‌تر از مسیر جمهوری آذربایجان به اروپا است، اما رویکرد امنیتی غالب در ایران سبب کم‌توجهی به ابعاد اقتصادی پروژه شده است (Navakhti-Moghadam and Others, 2023: 13-14).

از منظر ژئواکونومیک انرژی نیز کریدور زنگه‌زور می‌تواند موقعیت ایران را تضعیف کند. جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۲ بیش از ۴۴۱ میلیون بشکه نفت و ۲۲.۶ میلیارد مترمکعب گاز صادر کرده است (Iran Research Center, 2023: 5-6). در این زمینه، سه چالش برای ایران مطرح است: نخست، معاوضه گاز جمهوری آذربایجان با نخجوان از طریق خط لوله سلماس-نخجوان (Azami and Others, 2015: 82)؛ دوم، کاهش صادرات انرژی ایران به ارمنستان؛ و سوم، محدود شدن ظرفیت بالقوه صادرات برق بین دو کشور. ایران در سال ۲۰۲۰ تنها ۰.۳۹ میلیارد مترمکعب گاز به ارمنستان صادر کرد که کمتر از ظرفیت خط لوله بود. در مقابل، دو خط انتقال برق ۲۲۰ کیلوواتی امکان انتقال برق را فراهم کرده و در صورت ایجاد خطوط ۴۰۰ کیلوواتی، ظرفیت انتقال تا ۵ هزار مگاوات افزایش می‌یابد (Mushfeq, 2022: 23-24). بنابراین، کریدور زنگه‌زور نه‌تنها موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را در ترانزیت تضعیف می‌کند؛ بلکه در حوزه انرژی نیز تهدیدات بلندمدتی ایجاد خواهد کرد. در مجموع، این طرح افزون بر پیامدهای اقتصادی، در میان‌مدت و بلندمدت چالش‌های امنیتی و نظامی قابل توجهی برای ایران در قفقاز جنوبی به همراه دارد.

## ۷. تحلیل گفتمان ایران در قبال کریدور زنگه‌زور

بحران جهانی غذا، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و تحریم‌های غرب علیه مسیرهای ترانزیتی روسیه، کشورهای منطقه را به جستجوی مسیرهای جایگزین بین اروپا و آسیا سوق داده است. در این میان، کریدور میانی و به‌ویژه کریدور زنگ‌خور، که بخش مهمی از این مسیر در امتداد آسیای مرکزی-قفقاز جنوبی-ترکیه-اروپا است، توجه فزاینده‌ای را برانگیخته است.

کریدور زنگه‌زور به‌عنوان فرصتی پس از جنگ دوم قره‌باغ، می‌تواند ارزش ژئواکونومیک منطقه را افزایش دهد. با این حال، ایران که تصور می‌کند اهمیت و نفوذ خود را از دست خواهد داد، مخالفت‌های آشکاری نشان داده است. اگرچه مقامات ایرانی رسماً مخالفت خود را انکار می‌کنند، اما تحولات نشان می‌دهد تهران نسبت به توسعه این کریدور رضایت ندارد و نگران کاهش نقش ترانزیتی و تغییر مرزهاست (Caucasus Watch, 2024). پس از جنگ دوم قره‌باغ، رزمایش‌های سپاه پاسداران در مرز ایران-جمهوری آذربایجان-ارمنستان از سوی تحلیلگران به‌عنوان پیام روشنی به حامیان زنگه‌زور تلقی شد (کازمی، ۱۴۰۰). ایران به‌طور مستقیم مخالفتی با این طرح اعلام نکرده، اما سیاست جایگزین یعنی حمایت از کریدور شمال-جنوب را دنبال کرده است. نگرانی اصلی نخبگان ایرانی این است که زنگه‌زور، در چهار سطح جایگاه ژئواکونومیک کشور را کاهش دهد: (۱) ازدست‌دادن موقعیت ایران به‌عنوان مسیر اصلی اتصال جمهوری آذربایجان به نخجوان؛ (۲) کاهش نقش پیونددهنده ایران میان ترکیه و آسیای مرکزی؛ (۳) تهدید جایگاه ایران به‌عنوان پل ارتباطی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ و (۴) کاهش اهمیت ایران در حمل‌ونقل شرق - غرب در پی جنگ اوکراین و افزایش نقش کریدور میانی (Veliev, 2022).

پیش‌تر، جاده اتصال جمهوری آذربایجان به نخجوان از خاک ایران می‌گذشت، اما با اجرای زنگه‌زور این وضعیت تغییر می‌کند و وابستگی باکو به تهران کاهش می‌یابد. افزون بر این، زنگه‌زور مسیر ارتباطی مستقیم جمهوری آذربایجان-ترکیه را فراهم می‌کند (کازمی، ۱۴۰۰). ترکیه نیز نفع مستقیمی از این کریدور می‌برد. بخش مهمی از تجارت این کشور با آسیای مرکزی از طریق ایران انجام می‌شود؛ سالانه ۴۳ هزار کامیون ترکیه‌ای از ایران عبور می‌کنند. در برخی مواقع، اختلافات سیاسی منجر به افزایش متقابل تعرفه‌های ترانزیتی بین تهران و آنکارا شده است (Milliyet, 2014). بنابراین، زنگه‌زور برای ترکیه یک میان‌بر حیاتی و راهی برای کاهش وابستگی به ایران و روسیه خواهد بود.

با آغاز جنگ روسیه و اوکراین، تحریم‌های غرب اهمیت کریدور میانی را بیشتر کرده است. در نتیجه، جایگاه کشورهایی که در این مسیر قرار دارند برای ایالات متحده و اتحادیه اروپا تقویت شده و فرصت‌های همکاری منطقه‌ای افزایش یافته است. زنگه‌زور شباهت زیادی به پروژه حمل‌ونقل اروپا - قفقاز - آسیا و نیز طرح جاده ابریشم مورد حمایت آمریکا در دهه ۱۹۹۰ دارد. این امر جایگاه ترانزیتی ایران را بیش از پیش تضعیف می‌کند. در همین چارچوب، اظهارات امیر عبداللهیان در دیدار با لاوروف (۳۱ اوت) قابل توجه است که ایران را

دارای موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی در چهار مسیر ترانزیتی شمال، جنوب، شرق و غرب دانست (Khabaronline, 2022). ایران همچنین به ارمنستان اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و آن را دروازه‌ای به اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌بیند. این اهمیت با توافق تجارت آزاد ایران و اوراسیا در ۲۵ دسامبر ۲۰۲۳ که از ۱۵ مه ۲۰۲۵ اجرایی می‌شود و حذف تدریجی تعرفه‌ها بر ۸۷ درصد کالاها را شامل می‌شود، افزایش یافته است. در این چارچوب، ارمنستان به‌عنوان تنها عضو اتحادیه اوراسیا با مرز زمینی مشترک با ایران، اهمیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای یافته و می‌تواند پل مطمئنی برای اتصال ایران به اتحادیه اوراسیا و حتی اتحادیه اروپا باشد (Tehran Times, 2025).

به این ترتیب، مخالفت غیرمستقیم ایران با زنگزور ناشی از نگرانی از کاهش اهمیت ژئواکونومیک است. تهران در کنار ابزارهای سیاسی و اقتصادی، از اهرم‌های نظامی نیز برای فشار استفاده می‌کند و سیاست چماق و هویج آن، بخشی از دلایل مقاومت ارمنستان در برابر توسعه این کریدور محسوب می‌شود.

### نتیجه‌گیری

تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی، به‌ویژه پس از جنگ‌های اول و دوم قره‌باغ، بار دیگر جایگاه این منطقه را در معادلات امنیتی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برجسته ساخته است. ایران به‌عنوان کشوری که از یک‌سو با جمهوری آذربایجان و ارمنستان مرز مشترک دارد و از سوی دیگر در موقعیتی ژئواستراتژیک میان آسیای مرکزی، خاورمیانه و دریای خزر قرار گرفته، ناگزیر است سیاستی چندلایه و منعطف در قبال تحولات قفقاز اتخاذ کند. بررسی ابعاد مختلف بحران‌ها و پروژه‌های منطقه‌ای نظیر کریدور زنگه‌زور نشان می‌دهد که ایران با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدهایی همچون افزایش نفوذ بازیگران رقیب نظیر ترکیه و رژیم صهیونیستی در مرزهای شمال غربی، تغییر معادلات ترانزیتی و کم‌رنگ شدن نقش ژئواکونومیک کشور، و در مقابل فرصت‌هایی همچون گسترش همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایفای نقش در کریدورهای جایگزین مواجه است. از منظر امنیتی، تثبیت همکاری نظامی جمهوری آذربایجان و متحدانش در مجاورت مرزهای ایران، به‌ویژه پس از آزادسازی مناطق هم‌جوار چون جبرئیل و زنگلان، نگرانی‌های جدی برای تهران ایجاد کرده است. نزدیکی باکو با تل‌آویو، خط قرمز امنیت ملی ایران را در زمینه موازنه قوای منطقه‌ای به چالش کشیده است. هم‌زمان، بحث بر سر ایجاد کریدور زنگه‌زور، به‌مثابه پروژه‌های

ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک، حساسیت‌های تهران را نسبت به انسداد احتمالی مرز ایران و ارمنستان افزایش داده است. این نگرانی نه تنها به بعد امنیتی محدود نمی‌شوند، بلکه ابعاد اقتصادی و ترانزیتی را نیز شامل می‌گردند؛ چراکه در صورت تحقق این پروژه، ایران بخش مهمی از کارکرد خود به‌عنوان مسیر اصلی ارتباطی نخجوان با جمهوری آذربایجان و نیز مسیر پیوندی میان آسیای مرکزی و ترکیه را از دست خواهد داد. از منظر اقتصادی، ایران تلاش کرده است تا با توسعه کریدور شمال - جنوب و تعمیق همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ضمن مقابله با تهدیدهای ناشی از پروژه‌های رقیب، جایگاه ژئواکونومیک خود را تثبیت کند. توافق تجارت آزاد با اتحادیه اوراسیا در سال ۲۰۲۳ و اجرایی شدن آن در ۲۰۲۵، فرصتی راهبردی برای ایران به‌منظور کاهش اثر تحریم‌ها و گسترش دسترسی به بازارهای منطقه‌ای فراهم کرده است. در این میان، نقش ارمنستان به‌عنوان تنها کشور عضو اتحادیه اوراسیا که مرز زمینی با ایران دارد، اهمیتی مضاعف یافته و می‌تواند زمینه‌ساز حضور پررنگ‌تر ایران در معادلات اقتصادی اوراسیا باشد. به‌طور کلی، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال قفقاز جنوبی نیازمند رویکردی ترکیبی است؛ رویکردی که هم‌زمان بر بازدارندگی امنیتی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئواکونومیک، و مدیریت تعامل با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای استوار باشد. تنها در این صورت است که ایران خواهد توانست ضمن حفاظت از مرزهای خود و جلوگیری از کاهش نقش ژئوپلیتیکی‌اش، به یک بازیگر فعال و اثرگذار در روندهای نوظهور قفقاز جنوبی و اوراسیا تبدیل شود.

## منابع و مأخذ

### فارسی

- تمنا، فرامرز (۱۳۸۹)، *تحول مفهوم کنشگر و مسئله امنیت در روابط بین‌الملل*، در: تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل، مشیرزاده، حمیرا و نبی‌لله ابراهیمی، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- رسول زاده، محمدمامین (۱۳۹۲)، *جمهوری آذربایجان: چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی آن*، (ت. سلام زاده، مترجم) تهران: شیرازه.
- صوراناری، حسین (۱۳۹۵)، *جمهوری آذربایجان: منابع انرژی و رژیم حقوقی*، در الهه کولایی و شیوا علیزاده، جستارهای پیرامون مسائل دریای خزر (ص. ۷۱-۱۱۲). تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- فالتزگراف، رابرت، دنورتی، جیمز (۱۳۸۸)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، چاپ پنجم، ترجمه وحید بزرگی، علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- کالیراد، علی (۱۳۹۲)، *از جامعه ایرانی تا میهن ترکی*، تهران: انتشارات شیرازه.

- کولایی، الهه (۱۳۹۶)، *سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی*، تهران: سمت.
- لطفیان، سعیده (۱۳۹۰)، پندار از تهدید و سیاست‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره اول، بهار، صص ۲۰۷-۱۷۵.
- ماکیاوی، نیکولو (۱۳۷۷)، *گفتارها*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: نشر خوارزمی.
- ماکیاوی، نیکولو (۱۳۷۵)، *شهریار*، ترجمه داریوش آشوری، تهران: نشر مرکز.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: نشر سمت.
- میرشایمر، جان (۱۳۹۰)، *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴)، *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌الملل.
- هابز، توماس (۱۳۸۰)، *لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

## لاتین

- Aydın, M (2000) "New Geopolitics of Central Asia and the Caucasus: Causes of Instability and Predicament", Ankara, SAM Papers, No. 2.
- Aydın, M (2003) "**Kafkasya ve Orta Asya'yla İlişkiler**", in B. Oran (ed.), *Türk Dış Politikası; Kurtuluş Savaşından Bugüne Olgular, Belgeler, Yorumlar*, Cilt II: 1980-2001, İstanbul, İletişim Yayınları.
- Aydın, M (2020) "**Towards the transformation of Asia's geopolitics: Eurasian Heartland- Eastern Europe, the Trans-Caucasus, and Central Asia**", in Ç. Erhan and E. Akdemir (eds.), *Geopolitics and Strategy*, Eskişehir, Anadolu University, pp. 78-113.
- Aydın, M (September 2023) "The Changing Geopolitics of the South Caucasus. in ed. Changing Geopolitics of the South Caucasus after the Second Karabakh War Prospect for Regional Cooperation and/or Rivalry". **Bergen: Chr. Michelsen Institute (CMI Report 2023:4)**. Available at: <https://www.cmi.no/publications/file/8911-changing-geopolitics-of-the-south-caucasus-after-the-second-karabakh-war.pdf> (Last access: 2025.05.15).
- Aydın, M., Neset, S (September 2023) "Changed Dynamics After The Second Karabakh War. in ed. Changing Geopolitics of the South Caucasus after the Second Karabakh War Prospect for Regional Cooperation and/or Rivalry". **Bergen: Chr. Michelsen Institute (CMI Report 2023:4)**. Available at: <https://www.cmi.no/publications/file/8911-changing-geopolitics-of-the-south-caucasus-after-the-second-karabakh-war.pdf> (Last access: 2025.05.17).
- Azami, H., Zarghani, H. and Soltani, M (2016) "Study and Classification of Economic Variables Affecting the Increase in the Geopolitical Dependence of the Nakhchivan Autonomous Republic on Iran". **Quarterly Journal of International Political Research**, 8(27), pp. 51-75, Available at: [https://journals.iau.ir/article\\_562720.html](https://journals.iau.ir/article_562720.html)
- Baghirov, O (March 11, 2020) "Iran's economic outreach to South Caucasus". **Foreign Policy News**. Available at: <https://foreignpolicynews.org/2020/03/11/iran-economic-outreach-to-south-caucasus/> (Last access: 2025.05.20).
- Ben-Itzhak, S (2011), **Realism and Neorealism**. in ed. 21st Century Political Science: A Reference Handbook. SAGE Publications, Inc.
- Booth, K (2005), **Critical Security Studies & World Politics**, London: Lynne Rienner Publishers.

- Bowker, M., Brown, R (1993), **From Cold War to Collapse: Theory and World Politics in the 1980s**, eds. Cambridge: Cambridge University Press.
- Buzan, B., Waever, O (2003). **Regions and Powers: The Structure of International Security**, Cambridge University.
- Caucasus watch (4 Aug 2024) “Economic Cooperation of Armenia and Iran: Great Potential and Great Challenges”. Available at: [https://www.caucasuswatch-de1.caucasuswatch.org/en/insights/economic-cooperation-of-armenia-and-iran-great-potential-and-great-challenges.html?utm\\_source=chatgpt.com](https://www.caucasuswatch-de1.caucasuswatch.org/en/insights/economic-cooperation-of-armenia-and-iran-great-potential-and-great-challenges.html?utm_source=chatgpt.com) (Last access: 2025.06.19).
- Dadparvar, S (2023), **Islamic Republic of Iran’s Foreign Policy in the South Caucasus: Opportunities and Constraints**. UK: Cambridge Scholars Publishing.
- De Waal, T (2021) “7e Nagorny Karabakh Conflict in its Fourth Decade”, CEPS Working Paper, No WD 2021-02, Available at: [https://www.ceps.eu/wp-content/uploads/2021/09/WD2021-02\\_The-Nagorny-Karabakh-Conflict-in-its-Fourth-Decade.pdf](https://www.ceps.eu/wp-content/uploads/2021/09/WD2021-02_The-Nagorny-Karabakh-Conflict-in-its-Fourth-Decade.pdf) (Last access: 2025.05.23).
- Chedia, A.R (2024) “Zangezur Corridor: Economic Potential and Political Constraints”. **Russia in Global Affairs**, 22(1), pp. 194–216. doi: 10.31278/1810-6374-2024-22-1-194-216
- Ebel, F., Choi, M (August 8, 2025) “Trump presides over Armenia-Azerbaijan peace framework, **upstaging Russia**”.  
[https://www.washingtonpost.com/politics/2025/08/08/azerbaijan-armenia-nagorno-karabakh-trump/?utm\\_source=chatgpt.com](https://www.washingtonpost.com/politics/2025/08/08/azerbaijan-armenia-nagorno-karabakh-trump/?utm_source=chatgpt.com) (Last access: 2025.05.21).
- European Council (April 6, 2022) “Statement of European Council President Charles Michel following the Second Trilateral Meeting with President Ilham Aliyev and Prime Minister Nikol Pashinyan”, Available at:  
<https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2022/04/06/statement-of-european-council-president-charles-michel-following-the-second-trilateral-meeting-with-president-ilham-aliyev-and-prime-minister-nikol-pashinyan/> (Last access: 2025.06.22).
- Farhadi, F (2022) “Iran's Security Concerns and its Relations with Azerbaijan”. **Journal of Iranian Foreign Policy**, 39(1), 67-85.
- Genser, J (2019), **The UN Working Group on Arbitrary Detention; Commentary and Guide to Practice**. US: Cambridge University Press.
- German, T (2022) “Russia and the South Caucasus: The China Challenge”. **Europe-Asia Studies**, 74(9), 1596-1615.
- Haber Turk (2021) “Karabağ’ın inşasında Türkiye önemli rol oynayacak”. Available at: <https://www.haberturk.com/gaziantep-haberleri/92240755-karabagin-insasinda-turkiye-onemli-rol-oynayacak> (Last access: 2025.05.22).
- Hansen, B., Toft, P and Wivel, A (2009), **Security Strategies and American World Order: Lost Power**, Routledge.
- Hunter, S. T (2017), **Middle East Actors and Politics: Impact on the South Caucasus**. In S. T. Hunter, **The New Geopolitics of the South Caucasus: Prospects for Regional Cooperation and Conflict Resolution** (pp. 225-241). Rowman & Littlefield.
- International Monetary Fund (2020) “Iran Economic Outlook. **International Monetary Fund**”. Available at: <https://www.imf.org/en/Countries/IRN> (Last access: 2025.06.10).
- Iran Research Center (2023) “Zangzor Pass and its Consequences on the Geo-Economic Situation of Iran”. pp. 1-3, Available at:

- <https://otaghiranonline.ir/UFiles/Docs/2023/11/22/Doc2023112209013261> (Last access: 2025.05.06).
- IRNA website (2020a) “The Supreme Leader's statements regarding the Karabakh war; No more excuses”. Available at: <https://www.irna.ir/news/84098704/> (Last access: 2025.05.13).
- IRNA website (2020b) “Tehran's position is the factor of strengthening and expanding relations with Baku”. Available at: <https://www.irna.ir/news/84126394/> (Last access: 2025.05.11).
- Ismayilov, M., Norman A.G (2016), *Turkish-Azerbaijani Relations; One Nation—Two States?* NY: Routledge.
- Kaleji, V (2021) “Iran and South Caucasus Railway Connections after the Nagorno-Karabakh War”. available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13677-iran-and-south-caucasus-railway-connections-after-the-nagorno-karabakh-war.html> (Last access: 2025.05.20).
- Katz, M (2021) “The Second Nagorno-Karabakh War and Its Implications for Iran. **Middle East Institute**”. available at: <https://www.mei.edu> (Last access: 2025.05.27).
- Kazemzadeh, M (2023) “Energy transit routes and geopolitical shifts in the South Caucasus”. *Journal of Eurasian Studies*, 14(1), 78-94.
- Kipiani, N (2020) “The Role of Israel in Azerbaijan's Security Policy”. **Geopolitical Review Journal**, 12(3), pp. 77-98.
- Khabaronline (August 31, 2022) “**Iran not to Allow Foreign Interference Regarding Independence**”. Available at: <https://english.khabaronline.ir/news/194259/Iran-not-to-allow-foreign-interference-regarding-independence> (Last access: 2025.05.07).
- Koolae, E., & Hafezian, M. H (2010) “The Islamic Republic of Iran and the South Caucasus Republics”. *Iranian Studies*, 43(3), pp. 391-409. doi:10.1080/00210861003693935
- Kraus, J., & Souleimanov, E (2016) “A failed comeback? Understanding Iranian policies in the South Caucasus”. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 18(5), pp. 448-464. doi:10.1080/19448953.2016.1196024
- Kucera, J (2013) “Iranian Official: We Helped Azerbaijan in Karabakh War”. available at: <https://eurasianet.org/iranian-official-we-helped-azerbaijan-in-karabakh-war> (Last access: 2025.05.15).
- Kucera (June 28, 2023) “For The Ethnic Armenian Leadership in Nagorno-Karabakh, The Walls Are Closing in” **Radio Free Europe/Radio Liberty (RFE/RL) Armenian Service**”, available at: <https://www.rferl.org/a/armenia-azerbaijan-nagorno-karabakh-leadership-peace-talks/32480945.html> (Last access: 2025.06.13).
- Mankoff, J. (2022), **Empires of Eurasia, How Imperial Legacies Shape International Security**, CT: Yale University Press.
- Mearsheimer, J (2001), **The Tragedy of Great Power Politics**, W.W. Norton & Company.
- Mehdiyev, R (2021) “Geopolitical shifts in the South Caucasus after the 2020 Karabakh war”. **Caucasus Watch**. available at: <https://caucasuswatch.de> (Last access: 2025.05.19).
- Middle East Institute (2020) “Iran's trade challenges in the South Caucasus”. available at: <https://www.mei.edu/publications/irans> (Last access: 2025.06.24).
- Milliyet (October 18, 2014) “Turkish trucks to surpass Iran from the Caspian”. available at: <https://www.milliyet.com.tr/ekonomi/turk-tir-lari-iran-i-hazar-dan-sollayacak-1956222> (Last access: 2025.05.18).

- Mitzen, J (2006a) "Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma". *European Journal of International Relations*, 12(3), pp. 341-70.
- Mushfeq, Z (2022) "Strategies for the Development of Economic relations with Armenia". *Economic Security Scientific Monthly*, 10(12), pp. 19-26, doi: 20.1001.1.17354188.1401.10.12.2.3).
- Navakhti Moghadam, A.; Hassanzadeh, M. and Wajdani, S (2023) "The Creation of the Zangzor Channel and Its Effect on the Economic Security of Iran". *The First International Conference on Future Studies in Legal Jurisprudence and Political Science*, 1(1), pp. 1-18, available at: <https://civilica.com/doc/1692837> (Last access: 2025.05.23).
- Novikova, G (2021). "Significant Shifts in the Geopolitics of the South Caucasus". *European Security and Defense*, available at: <https://euro-sd.com/2021/10/articles/exclusive/23944/significant-shifts-in-the-geopolitics-of-the-south-caucasus/> (Last access: 2025.05.02).
- President of the Republic of Azerbaijan website (2021) "**Ilham Aliyev attended CIS Heads of State Council's session in video conference format**". available at: <https://president.az/en/articles/view/53478> Last access: 2022.12.28 (Last access: 2025.05.09).
- Press TV website (2022) "**Iran opens the first section of the railway link to Chabahar port**". available at: <https://www.presstv.ir/Detail/2022/11/11/692547/Iran-opens-first-section-of-railway-link-to-Chabahar-port> (Last access: 2025.05.10).
- Qanbarloo, A (2022), **jange dovome qarebàq, rishehà va payàmadhà [The Second Karabakh War, its Origins and Consequences]**. Tehran: Institute of Strategic Studies.
- Rahim, F (2021) "Geostrategic Implications of Azerbaijan-Israel Relations for Iran". *Journal of Strategic Studies*, 32(4), pp. 56-72.
- Rosenbery, A (1990) "Moral Realism and Social Science". *Midwest Studies in Philosophy* 15(1), pp.150-166, DOI: 10.1111/j.1475-4975.1990.tb00211.x
- Shiriyev, Z (2021) "**Iran and the Changing Realities in the South Caucasus**". Chatham House. available at: <https://www.chathamhouse.org> (Last access: 2025.05.10).
- Shoaib Khan (2022) "Geopolitics of Caucasus and The Game of Power in The Region". *Русская Политология*, 3(24), 71-85.
- Tabatabai, A (2020) "Iran's Regional Security Dilemma: Azerbaijan, Israel, and the South Caucasus". *Middle East Policy*, 27(1), pp. 34-49.
- Tehran Times (January 11, 2025) "**Iran's export to Eurasian Countries Rises Over 20%**". available at: <https://www.tehrantimes.com/news/508525/Iran-s-export-to-Eurasian-countries-rises-over-20?> (Last access: 2025.05.21).
- Tehran Times (March 14, 2025) "**Iran-Eurasian Free Trade Agreement to Take Effect in 60 days**". available at: <https://www.tehrantimes.com/news/510927/Iran-Eurasian-free-trade-agreement-to-take-effect-in-60-days> (Last access: 2025.05.25).
- The Astana Times (2022) "**Kazakhstan Ratifies Agreement on Free Trade Zone between EAEU and Iran**". available at: <https://astanatimes.com/2022/10/kazakhstan-ratifies-agreement-on-free-trade-zone-between-eaeu-and-iran/> (Last access: 2025.05.16).
- TOI World Desk (August 9, 2025) "**Armenia-Azerbaijan deal: Khamenei Aide Says Iran will Oppose Peace Corridor Near its Border; Warns it May Turn a Graveyard for Trump's Mercenaries**". Available at:

- <https://timesofindia.indiatimes.com/world/middle-east/armenia-azerbaijan-deal-khamenei-aide-says-iran-will-oppose-peace-corridor-near-its-border-warns-it-may-turn-a-graveyard-for-trumps-mercenaries/articleshow/123207012.cms?>
- Valiyev, A (August 2017) “**Iranian Soft Power in Azerbaijan**”. In book: *Religion and Soft Power in the South Caucasus*, pp.85-104. doi:10.4324/9781315206721-5
- Veliev, C (2022) “**Iran`s Frustrations with the Zangezur Corridor**”. *Eurasia Daily Monitor*:19(140), available at: <https://jamestown.org/program/irans-frustrations-with-the-zangezur-corridor/> (Last access: 2025.05.20)
- Waltz, K.N (1979), **Theory of International Politics**, New York: McGraw-Hill Publishing Company.
- Wight, C (2011), **Agent, Structure and International Relations: Politics as Ontology**. Cambridge University Press.
- Yavuz, M.H., Gunter, M (2022), **The Nagorno-Karabakh Conflict Historical and Political Perspectives**, England, UK, Routledge.
- Yeghiazaryan, A (2016) “**North-South and Persian Gulf-Black Sea Transport Corridors: Iranian Perspectives for Development**”. Available at: <https://hetq.am/en/article/73999> (Last access: 2025.05.20).
- Yepremyan, T (2021) “Extended European Security Complex and the South Caucasus: the US policy approaches”. **Review of European Affairs**, 5(2), pp. 5-17. doi:10.51149/ROEA.2.2021.1
- Велиев, Р.Р., и Велиев, А.Р (2023) "**Политические процессы на Южном Кавказе: Азербайджан-Иран**" *Постсоветские исследования*, т. 6, № 4, С. 412-425.